



## الدَّرْسُ الْخَامِسُ (فعل ماضى: فَعَلَ، فَعَلَتْ)

عَمَّا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ﴿١﴾ الْأَنْعَام: ١



# الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۷ کلمه)

دشمنی	عُدُوَان:	هرگاه، اگر	إِذَا:
باز کرد فَتَحَّتْ: باز کرد «مُوْتَّث»	فَتَحَّ:	فرومایگان، پست‌ترین‌ها	أَرَادِل:
نزدیک شد به	قَرَّبَ مِنْ:	شایستگان، برترین‌ها	أَفْضَل:
کوتاه	قَصِرَ:	نزدیک‌ترین	أَقْرَب:
بازی کرد	لَعِبَ:	دنبال...گشت	بَحَثَ عَنْ:
مسلمان	مُسْلِم:	سپس	ثُمَّ:
فرمانروا شد	مَلَكَ:	درو کرد	حَصَدَ:
هرکس (شرطی) کسی که	مَنْ:	زیان	خُسْرَان:
تکلیف	وَاجِب:	برگشت	رَجَعَ:
پیدا کرد	وَجَدَ:	کاشت	زَرَعَ:
رسید	وَصَلَ:	خسته نباشید، خداقوت	سَاعَدَكُمُ اللَّهُ:
هلاک شد	هَلَكَ:	سالم ماند	سَلِمَ:
وجود دارد، هست	يُوجَدُ:	بالا رفت	صَعِدَ:
		کوید	طَرَقَ:

## الْجُمَلَاتُ الذَّهَبِيَّةُ



لَعَبَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ. يَاسِرٌ بَا دُوسْتَانَش دَر مَدْرَسَه بَازِي كَرْد  
رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ. يَاسِرٌ بَعْدَاز ظَهْرَبِه خَانه بَر كَشْت

هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ. اودَر خَانه رَا كُوبِيد.

سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ نَمَّ ذَهَبَتْ وَ فَتَحَتْ الْبَابَ وَ سَأَلَتْهُ: دَر رَا بَاز كَرْد وَ از او پَر سِيد

الْأُمُّ: كَيْفَ حَالُكَ؟ حَالَتِ چَطُورَه؟

الْوَلَدُ: أَنَا بِخَيْرٍ. مَن خُوبِم

الْأُمُّ: مَا وَاجِبَاتُكَ؟ مَشَقِّ هَايَتِ چِيست؟

يَاسِرٌ: حَفِظْتُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الذَّهَبِيَّةَ حَفِظَ كَرْدَنِ اِيْنِ جُمْلَه هَايِ طَلَابِي

اگر فرومایگان فرمانروا شوند؛  
«إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ؛ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.» شایستگان هلاک می شوند

هر کس دشمنی بکارد «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُشْرَانَ.»، زیان درو می کند

«التَّجْرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ.» تجربه برتر از دانش است

«خَيْرُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ.» بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است

«الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ.»، «لِسَانُ الْمُقْصِرِ، قَصِيرٌ.»

مسلمان، کسی است که مردم از زبان و دستش در امان باشند زبان گناهکار کوتاه است



تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

۱. فَتَحَتْ + الْبَابُ = فَتَحَتْ الْبَابَ به دلیل اینکه تَلَفُظُ دو حرفِ ساکن در کنار هم، در زبان عربی دشوار است، لذا حرفِ ساکنِ اَوَّلِ، کسره گرفته است.

۲. هر کس دشمنی کاشت (بکارد): زیان درو کرد (درو می کند).

۳. مسلمان کسی است که مردم از زبانش و دستش سالم بمانند (در امان باشند).



هَذِهِ اللَّاعِبَةُ رَفَعَتْ عَلَمَ إِيرانِ.

این بازیکن پرچم ایران را بالا برد





هَذَا الْوَلَدُ أَخَذَ كِتَابًا مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

این پسر کتابی از کتابخانه گرفت

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

او انجام داد.	سوم شخص مفرد	هُوَ فَعَلَ.	
		(مفرد مذکر غایب)	
		هِيَ فَعَلَتْ.	
		(مفرد مؤنث غایب)	

## الْتَّمَرِينُ

١ التَّمَرِينُ لِلْهُوَاءِ: شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400



کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

عُدْوَانٌ ..... صَدَاقَةٌ	جَاهِلٌ ..... عَالِمٌ	أَرَادِلٌ ..... أَفْضَلٌ	أَفْضَلٌ ..... خَيْرٌ
بِدَايَةٌ ..... نِهَايَةٌ	رَخِيصَةٌ ..... غَالِيَةٌ	عُدْوَانٌ ..... عَدَاوَةٌ	خَلْفٌ ..... وَرَاءَ

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

کلمه ناهما هنگ در هر مجموعه کدام است؟

١. عَمَلٌ ✓  أُمَّ  أُمَّ  أُمَّ  أُمَّ
٢. يَدٌ  مَاءٌ ✓  مَاءٌ ✓  مَاءٌ ✓  مَاءٌ ✓
٣. قَمِيصٌ  قَمِيصٌ  قَمِيصٌ  قَمِيصٌ
٤. قَصِيرٌ ✓  قَصِيرٌ ✓  قَصِيرٌ ✓  قَصِيرٌ ✓
٥. خَرَجَ  خَرَجَ  خَرَجَ  خَرَجَ
٦. تَمَّ ✓  تَمَّ ✓  تَمَّ ✓  تَمَّ ✓

٣ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ: تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

بخوانید و ترجمه کنید.



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالْأَنْعَامَ: ١

سپاس مخصوص خدایی که آفرید آسمان ها و زمین را



هِيَ وَصَلَتْ إِلَى بَيْتِهَا.  
او... به خانه اش رسید



هُوَ بَحَثَ عَنِ الْكُتُبِ.  
او بدنبال کتابها گشت

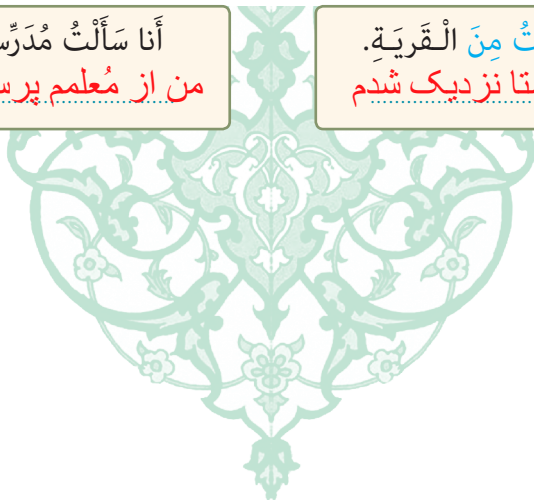
تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400



أَنَا سَأَلْتُ مُدْرِسِي.  
من از معلم پرسیدم



أَنَا قَرَبْتُ مِنَ الْقَرْيَةِ.  
من به روستا نزدیک شدم



## الأربعینات

کهنگوهای در راهپیمایی اربعین حسینی نزد پلیس

حوارات في مسيرة الأربعين الحسيني طريق كربلاء

الزائر العراقي: - أهلاً و سهلاً بكم. خوش آمدید

الزائر الإيراني: - شكراً جزيلاً. ساعدكم الله! بسیار ممنون خداقوت

أي طريق أقرب إلى كربلاء؟ کدام راه به كربلا نزدیکتر است

الزائر العراقي: - ذلك الطريق أقرب. آن راه نزدیکتر است

الزائر الإيراني: - هل يوجد موكب قريب من هنا؟ آیا ایستگاه صلواتی نزدیک اینجا هست؟

الزائر العراقي: - نعم، يوجد. هناك موكب. بله، هست. آنجا ایستگاه صلواتی است



